

رابطه حل تعارض و کنترل عواطف با سازگاری پس از طلاق

طیبه رحمانی^{۱*}، محمدعلی رحمانی^۲، علیرضا جعفری^۳، فرشته رحمانی^۴

(۱) کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر- ایران

(۲) استادیار دانشگاه آزاد واحد تنکابن، گروه روانشناسی بالینی، تنکابن - ایران

(۳) استادیار دانشگاه آزاد واحد ابهر، گروه روانشناسی، ابهر- ایران

(۴) کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

*نویسنده مسوول: n.rahmanii58@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۳/۴/۱۸ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۳/۶/۳ تاریخ پذیرش مقاله ۹۳/۷/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه حل تعارض و کنترل عواطف با سازگاری پس از طلاق انجام شد. روش پژوهش توصیفی همبستگی بود. بدین منظور از بین کلیه افراد متارکه کرده در شهرستان تنکابن که بحران طلاق را مدیریت کرده و سازگار شده اند؛ ۲۰۰ نفر بصورت هدفمند بعنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. سپس پرسشنامه سازگاری پس از طلاق، پرسشنامه حل تعارض و مقیاس کنترل عواطف بعنوان ابزار پژوهش در مورد هر یک از افراد گروه نمونه مورد استفاده قرار گرفت؛ و در پایان اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش همبستگی رگرسیون چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین متغیر حل تعارض و مؤلفه های کنترل عواطف (خشیم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت) با سازگاری پس از طلاق رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/01$).

کلید واژگان: حل تعارض، کنترل عواطف، سازگاری پس از طلاق

مقدمه

اجتماعی نشان می دهد که آثار سو طلاق در مورد زنان بیش از مردان است و امروزه تعداد زنانی که همسر خود را بر اثر طلاق از دست داده اند، رو به افزایش است و به دنبال آن خلا عاطفی، استرس های روانی و گاهی معیشت خانواده، مشکلاتی است که این زنان با آن دست به گریبانند (حرفاریان، آقای، کجباف و کامکار، ۱۳۸۶). به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی رو به افزایش است، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد جامعه را تهدید می کند. در این میان می توان به پیامدهای طلاق بر زنان مطلقه توجه نمود. تحقیقات در ایران و در کشورهای مختلف نشان می دهد که زنان بعد از طلاق دچار علائم بسیار زیادی همچون افسردگی، گوشه گیری، احساس ناامیدی و یاس و عدم مسئولیت پذیری،

طلاق عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی ترین بخش جامعه، یعنی خانواده و یکی از فقدان های عمده زندگی خانوادگی است (به نقل از بلالی، اعتمادی و فاتحی زاده، ۱۳۹۰). جدایی و طلاق برای تمام اعضای خانواده استرس بزرگی محسوب می شود و ممکن است منجر به واکنش های سازگاری کوتاه مدت و بلند مدت شود. تجربه طلاق، سازگاری زوجین و فرزندان آنها را در تمام ابعاد (روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت تأثیر قرار می دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می گردد. براساس آمار کشورهای مختلف از جمله ایران میزان طلاق روز به روز در حال افزایش است. از آثار مهم و منفی طلاق تأثیرات روانشناختی آن بر زنان مطلقه می باشد. اکثر مطالعات

و رابطه مثبت با همسر قبلی، سلامت جسمانی و نگرش مطلوب به طلاق (بلالی و همکاران، ۱۳۹۰). یافته های پژوهش استینر، دوراند، گروز و روزل (Estiner, Dorand, Goroz & Roozel) (۲۰۱۵) نشان می دهد سازگاری پس از طلاق یکی از پروسه های دردناک است. خوشبختانه، تحقیقاتی در دسترس هستند که جهت درک بهتر از عوامل سهم در بهبودی درست زنان و مردان کمک می نماید. بلالی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین سبک های دلبستگی، ویژگی های شخصیتی در ابعاد روان رنجوری و برون گرایی و همچنین سلامت روان در بعد افسردگی با سازگاری پس از طلاق؛ همچنین بین ویژگی های جمعیت شناختی سن، درآمد و سازگاری پس از طلاق نیز رابطه معنی داری وجود دارد. کولیت و هین چونین (Kulik & Heine-Cohen) (۲۰۱۱). در تحقیقی که سازگاری پس از طلاق را در چهار محور بر روی ۱۱۴ زن مورد بررسی قرار دادند، به این نتیجه رسیدند که خودباوری، قطع رابطه عاشقانه، نشانه های غم و اندوه و خود ارزیابی در میان افراد گروه نمونه وجود دارد. همچنین حس انسجام برای بیان سازگاری پس از طلاق به طور مشخصی واضح است و سپس، وجود یک رابطه عاشقانه، دیده می شود.

از لحاظ روانی، اکثر افراد تعارض در روابط را بی نهایت تنش زا تجربه می کنند. تعارض با خطر فزاینده انواع اختلالات روانی از جمله افسردگی خصوصاً در زنان، ناکارآمدی جنسی در هر دو جنس و مشکلات رفتاری رو به افزایش در فرزندان خصوصاً اختلالات رفتاری در پسران ارتباط دارد. بنا به تعریف مارچند و هاگ (Marchend & Hak) (۲۰۰۰) راهبردهای حل مسأله بیانگر رفتارهای بین فردی است که زوج ها برای مقابله با عدم توافق ها و جر و بحث هایی که اتفاق می افتد، انجام می دهند. بطور کلی افراد یا ترجیح می دهند از مواجهه با چنین موقعیت هایی اجتناب کنند و یا اینکه سعی می کنند عقیده خود را نیز به طرف مقابل بگویند و در پیدا کردن راه حل مناسب تلاش کنند (شیری، ۱۳۸۸).

ضعف روانی و تمایل به سرزنش خود می شوند که این علائم در حالات شدید می تواند بعنوان یک بیماری روانی همچون افسردگی شدید، حالات هیستریک، خود بیمارانگاری و یا حتی هذیان بدبینی باعث ایجاد از هم گسیختگی این قبیل زنان شود (به نقل از بلالی، اعتمادی و فاتحی زاده، ۱۳۹۰).

تحقیقات نشان می دهند که برخی از افراد بعد از جدایی و طلاق سازگاری مناسبی پیدا می کنند و برخی نیز به سازگاری دست نمی یابند (بلالی، اعتمادی و فاتحی زاده، ۱۳۹۰). سازگاری با طلاق بعنوان یک فرآیند چند بعدی تعریف شده که شامل مولفه های روانشناختی، اجتماعی و مالی می باشد. سازگاری با طلاق شامل طی کردن مراحل نوزده گانه بازسازی شامل (انکار، ترس، سازگاری، تنهایی، دوستی، احساس گناه/ طرد شدن، غم، خشم، رها کردن، خود ارزشمندی، انتقال، صداقت، عشق، اعتماد، ارتباطات، تمایلات جنسی، استقلال، هدفمندی و آزادی) می شود. تعاریف دیگر از سازگاری شامل فرآیند بازسازی (مثل: تغییرات فرد از زندگی زناشویی به زندگی جدا، جدایی از همسر قبلی، مفهوم خود بعنوان فردی مستقل)، توانایی سازگاری با زندگی مجردی و همچنین بعنوان فقدان نشانه ها و علائم جسمی و روانی، توانایی عمل کردن به مسئولیت های نقش روزانه خانه، خانواده، کار و فراغت، ایجاد هویت جدید از همسر قبلی یا از شرایط متأهل بودن، بعنوان یک مشخصه می باشد (کیتسون و مورگان (Kitson & Morgan)، ۱۹۹۰، به نقل از کاستالدو (Castaldo)، ۲۰۰۸). مطالعات انجام شده در این رابطه نشان می دهد که عوامل زیادی با سازگاری پس از طلاق رابطه دارد که می توان این عوامل را در دو دسته عوامل غیر قابل تغییر که خارج از کنترل فرد است و عواملی که بالقوه قابل تغییر و اصلاح اند، جای داد. به طور کلی این عوامل عبارتند از: دارا بودن صمیمیت اجتماعی، امنیت مالی، سبک دلبستگی فرد مطلقه، سلامت روانی، نگرش مذهبی افراد، جنسیت، سن، تعداد و سن بچه ها، مدت جدایی، مدت ازدواج، آغازگر بودن برای طلاق، بخشودگی

بر این اساس و با توجه به مطالب و پژوهش های فوق، و کاستی های پژوهشی که بنظر می رسد در این زمینه وجود دارد، و به دلیل جذابیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این سوال است که «آیا بین حل تعارض و کنترل عواطف با سازگاری پس از طلاق رابطه وجود دارد؟» انجام شد.

روش پژوهش

روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی همبستگی بود. بدین منظور از بین کلیه افراد سازگار یافته پس از طلاق در شهرستان تنکابن؛ ۲۰۰ نفر با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. بدین صورت که، با مراجعه به مراکز بهزیستی، مرکز مشاوره روان آسا و همچنین افراد در دسترس در سال ۹۴-۹۳ پرسشنامه سازگاری پس از طلاق در مورد ۴۹۳ نفر اجرا شد؛ سپس با بررسی پرسشنامه ها و حذف پرسشنامه های مخدوش (۱۵۱ نفر)، ۳۴۲ پرسشنامه باقی مانده مورد ارزیابی قرار گرفت؛ و ۶۴ پرسشنامه به دلیل سازگار نبودن پس از طلاق کنار گذاشته شد؛ و ۲۷۸ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و پرسشنامه های حل تعارض و کنترل عواطف در مورد آن ها اجرا شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها و حذف پرسشنامه های مخدوش (۷۸ نفر)، در نهایت پرسشنامه ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه نهایی پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

گزینه ای (۱= همیشه، ۵= هرگز) تنظیم شده است و در سؤال های ۱-۶-۸-۱۰-۱۲-۱۴-۱۵-۲۰-۲۲-۲۴-۲۸-۳۱-۳۳-۳۵-۴۳-۴۷-۴۹-۵۳-۵۷-۶۰-۶۳-۶۸-۶۹-۷۰-۷۳-۷۸-۷۹-۸۳-۸۵-۹۱-۹۲-۹۷ بصورت معکوس نمره گذاری می شود. نمرات بالا بیان کننده سازگاری با طلاق ضعیف و نمرات پایین بیان کننده سازگاری بالا با طلاق است.

پرسشنامه حل تعارض به عنوان ابزاری برای اندازه گیری ایده های حل تعارض و توانایی شخص در خلق و ارائه راه حل های برنده- برنده و سودمند به حال طرفین تعارض برای جمعیت عمومی توسط ویکز (۱۹۹۴) و فیشر و اوری (۱۹۹۱) ساخته شد. علاوه بر آن، عبارات این پرسشنامه ادراک و برداشت پاسخ دهندگان را بر مبنای اینکه معمولاً چگونه در رفتارهای خاص مرتبط با تعارض وارد می شوند و میزان آگاهی آنها از موضوع تعارض را می سنجند. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال ۵ گزینه ای و ۱۰ سؤال تشریحی است و دارای ۱۰ زیر مقیاس فضا و موقعیت، تعارض و درگیری را امری طبیعی و مثبت می بیند، توجه به نیازها به جای خواسته ها، ایجاد رابطه همکاری مثبت و قدرتمند، تمرکز بر آینده با یادگیری از گذشته ها، ارائه گزینه هایی برای سود متقابل، بسط و ارائه کارهای شدنی، هدف گذاری گام به گام تا عمل، ایجاد توافق مبتنی بر سود متقابل، ملاحظه کاری و مراعات بسیار زیاد، می باشد. در نمره گذاری در ابتدا نمرات هر زیر مقیاس و سپس جمع کل نمرات زیر مقیاس ها را یادداشت می کنیم. جمع نمرات هرچه بالاتر باشد، نشان دهنده توانایی فرد در ارائه حل تعارض کارآمد است. ارزیابی کلی این تست نشان می دهد با استفاده از روش دو نیمه کردن، نمره دو فاکتور دو و هفت از کل فاکتورهای این تست پایا و معتبر بودند. ضریب آلفای کرونباخ نمونه ۴۱ سوالی این تست ۰/۷۸ برآورده

ابزار اندازه گیری

به منظور سنجش و تعیین رابطه حل تعارض و کنترل عواطف با سازگاری پس از طلاق، از پرسش نامه سازگاری با طلاق فیشر (Fisher divorce adjustment Scale) (FDAS))، پرسشنامه حل تعارض و پرسشنامه کنترل عواطف (Affect Control Scale (ACS)) استفاده شد. پرسشنامه سازگاری با طلاق فیشر (۱۹۷۶) از صد سؤال و شش خرده مقیاس ارزش خود (Feeling of self-worth)؛ رهائی از رابطه قبلی (disentanglement)

مقیاس خلق افسرده ۹۱٪، ۷۶٪، زیر مقیاس اضطراب ۸۹٪، ۷۷٪، و زیر مقیاس عاطفه مثبت ۸۴٪، ۶۶٪، جهت یک نمونه از دانشجویان دوره لیسانس بدست آمد.

روش اجرا

پس از انتخاب گروه نمونه، پرسشنامه های مورد نظر در مورد هر یک از افراد گروه نمونه اجرا شد؛ سپس داده های جمع آوری شده با استفاده از روش های آمار توصیفی و مدل آماری تحلیل رگرسیون چندمتغیره (همبستگی بنیادی) و رگرسیون چندگانه (گام به گام) و همبستگی پیرسون با استفاده از نرم افزار SPSS22 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها

جدول ۱. میانگین انحراف معیار متغیرهای حل تعارض و کنترل عواطف با سازگاری پس از طلاق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار \pm میانگین	بیشینه	کمینه
حل تعارض	۱۳۱/۵۰	۱۴/۲۰	۱۳۱/۵۰ \pm ۱۴/۲۰	۱۵۳	۱۰۲
خشیم	۴۰/۴۴	۵/۰۷۰	۴۰/۴۴ \pm ۵/۰۷۰	۴۵	۲۳
کنترل خلق افسرده	۳۲/۶۷	۷/۸۴	۳۲/۶۷ \pm ۷/۸۴	۵۶	۲۶
عواطف اضطراب	۳۲/۶۴	۷/۷۳	۳۲/۶۴ \pm ۷/۷۳	۵۶	۲۶
عاطفه مثبت	۴۱/۴۷	۵/۱۰۴	۴۱/۴۷ \pm ۵/۱۰۴	۵۶	۲۶
سازگاری با طلاق	۷۶/۸۵	۸/۴۷	۷۶/۸۵ \pm ۸/۴۷	۹۱	۵۳

جدول ۲. آزمون کاموگروف- اسمیرنف متغیرهای حل تعارض، کنترل عواطف و سازگاری با طلاق

متغیرها	تعداد	پارامتر میانگین	پارامتر انحراف معیار	قدر مطلق		بیشترین انحراف	بیشترین انحراف منفی	مقدار آماره Z	سطح معناداری
				مقدار	بیشترین				
حل تعارض	۲۰۰	۱۳۱/۵۰	۱۴/۲۰	۰/۱۸۸	۰/۰۷۵	۰/۱۷۶	۱/۳۲۷	۰/۰۷۶	
کنترل عواطف خشیم	۲۰۰	۴۰/۴۴	۵/۰۷۰	۰/۱۶۹	۰/۰۶۷	۰/۱۲۱	۱/۳۱۱	۰/۰۷۳	
خلق افسرده	۲۰۰	۳۲/۶۷	۷/۸۴	۰/۱۵۹	۰/۰۸۳	۰/۱۴۹	۱/۴۱۸	۰/۰۷۸	
اضطراب	۲۰۰	۳۲/۶۴	۷/۷۳	۰/۱۴۷	۰/۰۸۴	۰/۱۴۵	۱/۴۹۵	۰/۰۸۰	
عاطفه مثبت	۲۰۰	۴۱/۴۷	۵/۱۰۴	۰/۱۴۶	۰/۰۸۴	۰/۱۴۱	۱/۵۰۹	۰/۰۸۸	
خشیم ناشی از طلاق	۲۰۰	۳۱/۷۱	۴/۶۰	۰/۱۶۹	۰/۰۹۷	۰/۱۶۶	۱/۵۴۵	۰/۱۰۹	
غم و اندوه ناشی از طلاق	۲۰۰	۶۷/۶۶	۱۷/۰۱۵	۰/۱۷۵	۰/۰۹۷	۰/۱۴۳	۱/۵۲۵	۰/۱۰۸	
اعتماد	۲۰۰	۲۲/۰۸	۲/۳۲	۰/۱۸۹	۰/۰۹۹	۰/۱۴۲	۱/۵۷۵	۰/۱۰۸	
ارزش خود	۲۰۰	۷۶/۸۵	۸/۴۷	۰/۱۷۵	۰/۰۹۳	۰/۱۴۱	۱/۵۹۵	۰/۱۲۱	
رهایی از رابطه قبلی	۲۰۰	۷۵/۳۳	۶/۹۴	۰/۱۶۹	۰/۰۹۵	۰/۱۴۰	۱/۵۸۷	۰/۱۱۸	
خودارزشمندی	۲۰۰	۲۷/۱۱	۴/۲۰۳	۰/۱۷۵	۰/۰۹۲	۰/۱۴۹	۱/۵۹۱	۰/۱۱۹	

جدول ۳. ماتریس همبستگی متقابل بین متغیرهای پیش بین حل تعارض و کنترل عواطف و متغیر ملاک سازگاری پس از طلاق

متغیرها	خشم ناشی از طلاق	غم و اندوه ناشی از طلاق	اعتماد اجتماعی	ارزش خود	رهایی از رابطه قبلی	خود ارزشمندی
حل تعارض	۰/۱۵۵** (p=۰/۰۲۸)	۰/۳۸۲** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۶۱** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۱۹۸** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۱۸۶** (p=۰/۰۰۰۸)	۰/۲۷۶** (p=۰/۰۰۰۵)
کنترل عواطف	۰/۲۱۴** (p=۰/۰۰۱)	۰/۳۴۵** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۳۱** (p=۰/۰۰۱)	۰/۲۸۹** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۹۲** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۳۰۲** (p=۰/۰۰۰۵)
خشم	۰/۲۲۲** (p=۰/۰۰۲)	۰/۲۸۶** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۴۸** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۳۶۷** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۳۷۵** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۳۰۸** (p=۰/۰۰۰۵)
خلق افسرده	۰/۲۰۹** (p=۰/۰۰۳)	۰/۴۵۱** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۳۱** (p=۰/۰۰۱)	۰/۲۲۴** (p=۰/۰۰۱)	۰/۲۳۰** (p=۰/۰۰۱)	۰/۲۹۰** (p=۰/۰۰۰۵)
اضطراب	۰/۲۰۷** (p=۰/۰۰۳)	۰/۴۵۳** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۳۵** (p=۰/۰۰۱)	۰/۲۲۶** (p=۰/۰۰۱)	۰/۲۳۱** (p=۰/۰۰۱)	۰/۲۹۱** (p=۰/۰۰۰۵)
عاطفه مثبت	۰/۲۰۸** (p=۰/۰۰۳)	۰/۲۸۱** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۶۰** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۳۷۹** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۳۸۶** (p=۰/۰۰۰۵)	۰/۲۹۷** (p=۰/۰۰۰۵)

** p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

نتایج جدول فوق نشان می دهد کل همبستگی های متقابل در سطح ۰/۹۹، معنادار است. بین متغیر حل تعارض با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (خشم ناشی از طلاق، غم و اندوه ناشی از طلاق) رابطه معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$) با رابطه محاسبه شده معکوس است. بین حل تعارض با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (اعتماد اجتماعی، ارزش خود، رهایی از رابطه قبلی، خود ارزشمندی) رابطه معنی دار وجود دارد ($p < ۰/۰۱$) رابطه محاسبه شده مستقیم است. بین کنترل عواطف خشم با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (خشم ناشی از طلاق، غم و اندوه ناشی از طلاق) رابطه معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$) رابطه محاسبه شده معکوس است. بین کنترل عواطف خشم با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (اعتماد اجتماعی، ارزش خود، رهایی از رابطه قبلی، خود ارزشمندی) رابطه معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$) رابطه محاسبه شده مستقیم است. بین خلق افسرده با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (خشم ناشی از طلاق) رابطه معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$) رابطه محاسبه شده مستقیم است.

همانطور که از نتیجه آزمون نیکوئی برازش کلموگروف اسمیرنوف مشخص است، سطح معنی دار جدول ۲ هر یک از متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ شده است که نشان از رد فرض صفر می باشد یعنی نمونه های مورد نظر از توزیع نرمال پیروی می کنند.

یافته های جدول فوق نشان می دهد، که میانگین حل تعارض ۱۳۱/۵۰ با انحراف معیار ۱۴/۲۰ و بیشینه نمرات ۱۵۳ و کمینه نمرات ۱۰۲، بالاترین میانگین متغیر کنترل عواطف مربوط به مؤلفه عاطفه مثبت با میانگین ۴۱/۴۷ با انحراف معیار ۵/۱۰۴ و بیشینه نمرات ۲۰۰ و کمینه نمرات ۱۱۲، کمترین میانگین متغیر کنترل عواطف مربوط به مؤلفه خلق افسرده با میانگین ۳۲/۶۷ با انحراف معیار ۷/۸۴ و بیشینه نمرات ۵۶ و کمینه نمرات ۲۶، بالاترین میانگین متغیر سازگاری پس از طلاق مربوط به مؤلفه رهایی از رابطه قبلی با میانگین ۷۵/۳۳ با انحراف معیار ۶/۹۴ و بیشینه نمرات ۸۱ و کمینه نمرات ۵۳، کمترین میانگین متغیر سازگاری پس از طلاق مربوط به مؤلفه اعتماد با میانگین ۲۲/۰۸ با انحراف معیار ۲/۳۲ و بیشینه نمرات ۲۷ و کمینه نمرات ۱۷ است.

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که مقدار آماره لامبدای ویلکز در متغیر حل تعارض ۰/۶۹۸ در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ معنی دار است. همچنین در متغیر کنترل عواطف خشم ۰/۸۰۷ در سطح $(\alpha = ۰/۰۵)$ ؛ متغیر خلق افسرده ۰/۸۸۱ $(\alpha = ۰/۰۱)$ ؛ متغیر عواطف مثبت ۰/۹۰۵ $(\alpha = ۰/۰۱)$ معنی دار است. بنابراین می توان گفت که بین متغیر حل تعارض و مولفه های کنترل عواطف (کنترل عواطف خشم، خلق افسرده، اضطراب، عاطفه مثبت) به عنوان (متغیرهای پیش بین) با سازگاری پس از طلاق به عنوان (متغیر ملاک) با احتمال ۰/۹۹ رابطه معناداری وجود دارد.

بین خلق افسرده با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (اعتماد اجتماعی، ارزش خود، رهایی از رابطه قبلی، خود ارزشمندی) رابطه معناداری وجود دارد $(p < ۰/۰۱)$ ؛ رابطه محاسبه شده معکوس است. بین خلق افسرده با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (خشم ناشی از طلاق، غم و اندوه ناشی از طلاق) رابطه معناداری وجود دارد $(p < ۰/۰۱)$ ؛ رابطه محاسبه شده مستقیم است. بین خلق افسرده با مؤلفه های سازگاری پس از طلاق (اعتماد اجتماعی، ارزش خود، رهایی از رابطه قبلی، خود ارزشمندی) رابطه معناداری وجود دارد $(p < ۰/۰۱)$ ؛ رابطه محاسبه شده معکوس است.

جدول ۴. خلاصه تحلیل واریانس چندمتغیره، بررسی متغیر حل تعارض و کنترل عواطف

آزمون چندمتغیره	نام آزمون	مقدار آماره	df ₁	df ₂	F	sig
حل تعارض	اثر پیلایی	۰/۳۰۲	۶	۱۸۹	۱۳/۶۵۵	۰/۰۰۰۵
	لامبدای ویلکز	۰/۶۹۸	۶	۱۸۹	۱۳/۶۵۵	۰/۰۰۰۵
	اثر هتلینگ	۰/۴۳۳	۶	۱۸۹	۱۳/۶۵۵	۰/۰۰۰۵
خشم	اثر پیلایی	۰/۱۹۳	۶	۱۸۹	۷/۵۵۳	۰/۰۰۰۵
	لامبدای ویلکز	۰/۸۰۷	۶	۱۸۹	۷/۵۵۳	۰/۰۰۰۵
	اثر هتلینگ	۰/۲۴۰	۶	۱۸۹	۷/۵۵۳	۰/۰۰۰۵
خلق افسرده	اثر پیلایی	۰/۱۱۹	۶	۱۸۹	۴/۲۶۴	۰/۰۰۰۵
	لامبدای ویلکز	۰/۸۸۱	۶	۱۸۹	۴/۲۶۴	۰/۰۰۰۵
	اثر هتلینگ	۰/۱۳۵	۶	۱۸۹	۴/۲۶۴	۰/۰۰۰۵
اضطراب	اثر پیلایی	۰/۰۴۸	۶	۱۸۹	۳/۵۸۳	۰/۰۰۰۲
	لامبدای ویلکز	۰/۹۵۲	۶	۱۸۹	۳/۵۸۳	۰/۰۰۰۲
	اثر هتلینگ	۰/۰۵۰	۶	۱۸۹	۳/۵۸۳	۰/۰۰۰۲
عاطفه مثبت	اثر پیلایی	۰/۰۹۵	۶	۱۸۹	۳/۳۱۴	۰/۰۰۰۴
	لامبدای ویلکز	۰/۹۰۵	۶	۱۸۹	۳/۳۱۴	۰/۰۰۰۴
	اثر هتلینگ	۰/۱۰۵	۶	۱۸۹	۳/۳۱۴	۰/۰۰۰۴

جدول ۵. خلاصه ابعاد همبستگی بنیادی

ابعاد	مقدار همبستگی	واریانس مشترک	لامبدای ویلکز	F	df ₁	df ₂	sig
۱	۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۰/۴۶۰	۱۴۹/۶۸۳	۳۰	۳۳۵/۵۱	۰/۰۰۰۵
۲	۰/۳۴۳	۰/۱۱۸	۰/۷۸۹	۴۵/۷۹۴	۲۰	۲۲۸	۰/۰۰۱
۳	۰/۳۱۴	۰/۰۹۸	۰/۸۹۴	۲۱/۶۸۵	۱۲	۲۱۶	۰/۰۴۱
۴	۰/۰۸۹	۰/۰۰۸	۰/۹۹۱	۱/۶۶۹	۶	۱۰۹	۰/۹۴۷
۵	۰/۰۲۵	۰/۰۰۰۶	۰/۹۹۹	۰/۱۱۷	۲	۹۳	۰/۹۴۳

در تبیین نتیجه به دست آمده از پژوهش حاضر می توان گفت تعارض پدیده ای است که آثار مثبت و منفی روی عملکرد افراد دارد، استفاده صحیح و موثر از تعارض موجب بهبود عملکرد و ارتقای سطح سلامتی جامعه می گردد و استفاده غیر موثر از آن موجب کاهش عملکرد و ایجاد کشمکش و تشنج در جامعه می شود. کنترل عواطف تسلط بر خود است. احساسات لازمه ادامه حیات برای انسان ها می باشد و در حقیقت نیرو و قوای محرکه ای است که اگر کنترل نشود مخرب خواهد بود. کنترل عواطف احساس عامل سازش انسان است و به زندگی غنا می بخشد و موجب بهره مندی و لذت از زندگی می گردد. کمبود و نارسایی کنترل عواطف موجب به خطر افتادن سلامت روان و ایجاد آسیب های فردی می شود. سازگاری پس از طلاق، فرآیند جدایی از رابطه زناشویی، حل احساسات ناشی از گسستگی زناشویی، تثبیت رابطه پس از طلاق با همسر قبلی و جدید، یا هر دو می باشد.

هر پژوهش به ویژه اگر مرتبط با انسان و خصوصیات انسانی باشد، دارای محدودیت ها و موانعی هستند که پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نیست و دارای نقایص و محدودیت هایی هستند که لازم است هم در به کارگیری و تفسیر نتایج آن و هم در انجام پژوهش های آتی در نظر گرفته شوند. از محدودیت های پژوهش حاضر محدود بودن جامعه آماری به یک شهر بود که امکان تعمیم نتایج را محدود می سازد. زمان بر بودن پاسخگویی به پرسشنامه ها، و عدم همکاری افرادی برخی افراد در پاسخگویی به پرسشنامه ها. بر این اساس پیشنهاد می شود چنین پژوهش هایی برای نمونه هایی با حجم بیشتر و در قشرها و شهرهای دیگر انجام شود تا امکان تعمیم نتایج امکان پذیر گردد. به مشاوران و زوج درمانگران پیشنهاد می شود با برپایی نشست های تخصصی به ارائه راهکارهایی در جهت تقویت کارکرد خانواده، صمیمیت و رضایت زوجین دست یابند و آن راهکارها را برای مراجعان دارای کارکرد ضعیف، به کار گیرند. همچنین با برگزاری گارگاه های آموزشی برای زوجین، ضمن روشن ساختن نقش کارکرد خانواده

نتایج جدول ۵ نشان می دهد که از ۵ ریشه بنیادی، فقط ۳ ریشه بنیادی از لحاظ آماری معنی دار است. مقدار همبستگی بنیادی ریشه اول ۰/۶۴۵، درصد واریانس مشترک بین دو مجموعه ترکیبی متغیر پیش بین و ملاک ۴۱/۶ درصد است. بنابراین با احتمال ۰/۹۹ می توان بیان کرد که ۴۱/۶ درصد سازگاری پس از طلاق بر اساس متغیر حل تعارض و مؤلفه های کنترل عواطف (کنترل عواطف خشم، خلق افسرده، اضطراب، عاطفه مثبت) قابل پیش بینی است. مقدار همبستگی بنیادی ریشه دوم ۰/۳۴۳، درصد واریانس مشترک بین دو مجموعه ترکیبی متغیر پیش بین و ملاک ۱۱/۸ درصد است؛ بنابراین با احتمال ۰/۹۹ می توان بیان کرد که ۱۱/۸ درصد سازگاری پس از طلاق بر اساس متغیر حل تعارض و مؤلفه های کنترل عواطف (کنترل عواطف خشم، خلق افسرده، اضطراب، عاطفه مثبت) قابل پیش بینی است. مقدار همبستگی بنیادی ریشه سوم ۰/۳۱۴، درصد واریانس مشترک بین دو مجموعه ترکیبی متغیر پیش بین و ملاک ۸/۹ درصد است؛ بنابراین با احتمال ۰/۹۵ می توان بیان کرد که ۸/۹ درصد سازگاری پس از طلاق بر اساس متغیر حل تعارض و مؤلفه های کنترل عواطف (کنترل عواطف خشم، خلق افسرده، اضطراب، عاطفه مثبت) قابل پیش بینی است.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه حل تعارض و کنترل عواطف با سازگاری پس از طلاق انجام شد. نتایج به دست آمده از تحلیل داده های پژوهش نشان داد که بین متغیر حل تعارض و مؤلفه های کنترل عواطف (خشم، خلق افسرده، اضطراب، عاطفه مثبت) با سازگاری پس از طلاق با احتمال ۹۹٪ رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج بدست آمده با یافته های لیزا استینر (۲۰۱۵)، بهادری، فاتحی زاده (۱۳۹۰)، بلالی و همکاران (۱۳۹۰)، لیات کولیک و اتی هین، چوین (۲۰۱۱)، انیس شرمین و کلارک (۲۰۰۸)، شفیع نیا (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

در صمیمت زناشویی زوجین، برای رفع مشکلات ناشی از کارکرد خانواده اقدام نمود. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر پیشنهاد می شود برای ایجاد سازگاری بهتر پس از طلاق، کارگاه ها و جلسات آموزشی حل تعارض و کنترل عواطف برای این گروه از افراد جامعه برگزار شود.

منابع

- بلالی، طیبه. اعتمادی، عذرا. فاتحی زاده، مریم السادات.(۱۳۹۰). بررسی رابطه عوامل شناختی و جمعیت شناختی پیش بینی کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی. ۲(۵)، ۵۴-۲۹.
- حفاریان، لیلا. آقای، اصغر. کجباف، محمدباقر. کامکار، منوچهر.(۱۳۸۸). مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد آن در زنان مطلقه و غیر مطلقه و رابطه‌ی آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی در شهر شیراز. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۱(۴)، ۸۶-۴۶.
- شیری، زهره.(۱۳۸۸). مهارت حل تعارض برای همسران. تهران: سازمان پزشکی کشور.
- Castaldo, D.(2008). Divorced , without children. Routledge press. New York-London.
- Steiner, L.M.; Durand,S.; Groves, D., & Rozzell,Ch.(2015). Effect of Infidelity, Initiator Status, and Spiritual Well-Being on Men's Divorce Adjustment. Journal of Divorce & Remarriage. 56, 95-108.
- Kulik, L.; & Heine-Cohen, E.(2011). Coping Resources, Perceived Stress and Adjustment to Divorce Among Israel Women: Assessing Effects. Journal of Divorce & Remarriage, 151, 5-30.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 5, No. 4, winter 2015, No 20



Journal of Educational
Psychology

Relation Conflict Resolution and Affective Control with Adjustment after Divorce

Tayebeh Rahmani ^{1*}, Mohammad Ali Rahmani ², Alireza Jafari ³, Fereshteh rahmani⁴

1) MSc.of counseling and guidance, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar-Iran.

2) Assistant Prof, of Counseling & Clinical Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Mazandaran-Iran.

3) Assistant Prof, Department of Psychology, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar-Iran.

4) Master of Clinical Psychology

*Corresponding author: n.rahmanii58@gmail.com

Abstract

This study aimed to determine the Relation Conflict Resolution and Affective Control with Adjustment After Divorce. The study was descriptive and correlational. The basis of all divorced people in the city Tonekabon that crisis management divorce and were compliant; 200 students were selected by purposive sampling method as study samples. The consistency of the questionnaire after the divorce, conflict resolution and scale questionnaire as a means of controlling perceptions about each of the sample group was used; and at the end of the collected data using multivariate regression correlation analysis was performed. Results from the analysis showed that the variable component of conflict resolution and control emotions (anger, depression, anxiety and positive affect) the compatibility significant relationship after divorce ($P < 0/01$).

Key words: Conflict Resolution, Control emotions, Adjustment after divorce
